

«امام سجاد(ع)؛ قهرمان جهاد تبیین»

خطای ذهنی بین واقعیت و تصوره‌های ذهنی ما

همیشه بین واقعیت و آنچه که در ذهن ما از آن واقعیت وجود دارد، تطابق نیست البته واقعاً برخی از این خطاهای ذهنی، اجتناب ناپذیر هست. مثلاً روان شناسان می گویند بیشترین خطا، خطای گوش هست. ابزار ارتباط ما با واقعیت ها، همین حواس پنجگانه هست، بعد چقدر این حواس پنجگانه خطا دارند؟ حالا علمی تولید شده تا این خطاهای ذهنی را مدیریت کنند، کافی است شما اطلاعات غلط بدهی، نتیجه گیری غلط هم اتفاق می افتاد.

مدیریت افکار عمومی، به وسیله ابزار رسانه، کارش این است. تبلیغات به معنای غلطش چه می کند؟ نمی گذارد ذهن ما، واقعیت را انعکاس کند. چیزی که به آن عملیات روانی گفته می شود.

مردم آمریکا از مردم ایران چه تصویری دارند؟

مثلاً شما فکر می کنید که مردم آمریکا از مردم ایران چه تصویری دارند؟ یکی از ورزشکاران ایرانی، می گفت که من وقتی به آمریکا رفته بودم، دوستان من، تصورشان این بود که ایران یک کشور عقب مانده است که نه در آن ماشین هست، نه موبایل هست، نه حتی آپارتمان. کم نیستند کسانی که از غرب به ایران می آیند می گویند نگاه ما به ایران تغییر کرد؛ این تغییرات گاهی صدو هشتاد درجه است. مثلاً یک آقای که تازه مسلمان شده بود و تصمیم گرفته بود بیاید ایران و برود قم طلبه شود، می گفت تصورم این بود که وقتی از هواپیما پیاده می شوم باید با شتر، به قم بروم.

مدیریت خطاهای ذهنی توسط فیلم و سریال و فضای مجازی

ما دائماً در این خطاهای ذهنی که به صورت مدیریت شده، توسط فیلم، سریال، فضای مجازی به ما منتقل می شود، غوطه ور هستیم، این وضعیت ما هست. شما می دانید در غرب، برای اینکه شما بتوانید یک شبکه ماهوره را تماشا کنید، باید اشتراک بخرید، باید پول خرج کنید، تازه یک نفر می گفت با یکی از ساکنین یکی از کشورهای غربی قدم می زدیم، گفت فلانی! نگاه کن ببین بعضی از خانه ها بالای سرشان، ماهواره نیست. می دانی این خانه ها، خانه چه کسانی هست؟ آن شخص می گوید گفتم نه، گفت اینجا خانه یهودی ها هست. یهودی ها ماهواره نگاه نمی کنند.

چرا برای ما ۱۶۰ کانال ماهوره ای محتوا تولید می کنند؟^۲

در چنین شرایطی که شهروند اروپایی برای تماشای یک شبکه تلویزیونی باید پول خرج کند، چرا در ایران شما به صورت مجانی، به این همه شبکه ماهوره ای در دسترس دارید؟ در کل جهان ۳۰۰ ماهواره تلویزیونی فعال است که از این تعداد ۱۱۶ ماهواره فضای ایران را پوشش می دهند. شبکه های فارسی زبان که فقط برای فارسی زبانان و خصوصاً ایرانی ها برنامه تولید و پخش می کنند، بیش از ۱۶۰ کانال رسیده است.^۱ آیا دلشان برای ما سوخته است یا مسئله چیز دیگری است که ما در یک محاصره تمام عیار رسانه هستیم؟

تاثیرگذاری بر انسان از طریق ضمیر ناخودآگاه در فیلم ها و سریال ها

تازه دوران ماهواره ها هم گذشته است، ابزارهای جایگزین و سهل الوصول تری هم به بازار آمده است. بگذارید یک خبر به شما بدهم. ببینید وقتی شما دارید فیلم سینمایی یا سریالی را تماشا

^۱ خبر آنلاین، خبر شماره ۳۶۳۹۸۳.

می کنید، فیلم و سریال و هر تصویر متحرک از تعدادی تصویر ثابت تشکیل شده است که وقتی اینها پشت سر هم نمایش داده می شوند، در مغز انسان این تصور را ایجاد میکند که تصویر در حال حرکت است. طبیعتاً هرچه تعداد تصاویر ثابت به وجود آورنده یک تصویر متحرک بیشتر باشد شما جزئیات بیشتری از حرکات را خواهید دید.^۲

در ثانیه می گویند ۲۵ عکس ثابت یا همان فریم کنار هم قرار می گیرد تا این تصویر در ذهن شما متحرک شود. حالا از این تعداد عکس ها، یکی از عکس ها را ضمیر خودآگاه شما نمی تواند تشخیص دهد. یک آزمایش انجام دادند، مثلاً در ساخت یک سریال در غرب، عکس ۲۵ را تبلیغ نوشابه خاصی با ذرت گذاشتند، عکسی که ضمیر خودآگاه شما متوجه نمی شود اما ضمیر ناخودآگاه شما متوجه می شود، بعد دیدند بعد از مدتی فروش نوشابه با ذرت در سینماها افزایش پیدا کرد.^۳ البته بعدها، خودشان این را انکار کردند؛ که به نظر بنده، این انکار هم، یک دروغ بیش نیست. حالا شما فکر کنید، آن تصویری که ضمیر ناخودآگاه شما، متوجه آن نمی شود، چه می تواند باشد؟

^۲ فریم در ثانیه چیست؟

^۳ «جیمز وایکری برای اولین بار در مورد این پدیده صحبت کرد. وی نتیجه گیری هایی را که طبق مشاهدات خود انجام داده بود در اختیار مردم قرار داد. برای این کار، تاجر آزمایشی را در یکی از سینماهای آمریکا انجام داد. در فصل تابستان، جیمز نوار محبوب را با قرار دادن تصاویر کولا و پاپ کورن در بین فریم های معمولی نشان داد.

به گفته این تاجر، ترفند بازاریابی جواب داد: فروش سودا و ذرت دو برابر شد. وایکری این کشف را ثبت کرد و شرکتی را باز کرد که خدمات اضافی ۲۵ فریم را با تبلیغات کالا به فیلم ارائه می دهد.» (۲۵ قاب پنجم، فناوری "۲۵ فریم") برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید

<https://fawiki.wiki.org/wiki/%D%A%D%AD%D%B%D%A%E%8-%A%D%A%D%B%DB%AC%D%B%D%A%D%B%D%AA%D%A%D%8%D%A%D%A%D%AC%D%A%D%AC>

آدم با ترس و دلهره پای فیلم و سریال های خارجی می نشیند. نکند لابه لای این عکس ها، یک کوفت و زهرماری های هم گذاشته باشند و ضمیر ناخودآگاه خودم، خانواده ام، فرزندان دختر و پسرم ببینند و بعد هزاران اتفاقات ناجور؟

چرا قرآن اینقدر به منبع خبر، حساس است؟

آدم تازه می فهمد چرا قرآن اینقدر به منبع خبر، که می توانید این خبر اعم از آگاهی های گفتاری و نوشتاری و تصویری باشد، اینقدر حساس است و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوهُ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید»^۱

مثلا بی بی سی خبیث روز تاسوعا می خواست تسلیت بگوید شهادت حضرت عباس (ع) برگشت این طوری گفت: «شهادت برادر ناتنی امام حسین (ع)، حضرت عباس را تسلیت می گوئیم» خب تا حالا مخاطب به این فکر نکرده بود که حضرت عباس، برادر ناتنی هست؛ اینها از برادر تنی هم به هم نزدیک تر بودند، چرا لابه لای تسلیت گفتند، یک کلمه می گذارد، که به زعم خودش بین امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) فاصله بیندازد؟

عملیات روانی، همیشه برای خطا انداختن جامعه، وجود داشته است

عملیات روانی، همیشه برای خطا انداختن جامعه، وجود داشته است. مثلا بعد از یکی از جنگ های پیامبر، ابوسفیان به یک نفر پول داد که در مدینه خبری منتشر کند تا مردم را بترسانند. قرآن می فرماید آنها می گفتند: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا ؛ مردم

[لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند از آنها بترسید!^۴ در حالی که در واقعیت اصلا چنین چیزی نبود.

خبرسازی برای ترساندن

این عملیات روانی، برای به خطا انداختن همیشه بوده است و امروز خیلی فنی تر و حرفه ای تر شده است؛ شما کافی است که مقایسه کنید، نوع روایت کردن جنگ روسیه با اوکراین را با جنگ عربستان با یمن؛ چقدر روایت ها متفاوت است؟ یا در ماجرای کرونا، خبرسازی ها، چقدر متفاوت است؟ چقدر از خبرسازیهما در موضوع کرونا، در غرب، فقط برای ترساندن مردم بود، در حالی که میزان مرگ و میر برخی از بیماریها، بسیار بیشتر در گذشته بود اما چرا این نوع خبرسازی ها که القاء ترس بیشتر از کرونا ایجاد می کرد، باب شد؛ قابل تامل هست. البته ما نمی گوییم کرونا نیست یا شیوه نامه ها رعایت نشود، اما القاء میزان ترس از کرونا، در مرگ کرونایی ها چقدر موثر بود، این جای تحقیق دارد.

کم نبودند کسانی که در اثر ترس از کرونا، امید و روحیه خودشان را از دست دادند و بعد جان خودشان را از دست دادند. چقدر تحریف کردند حقایق رو، در طول این چهل سال، الان بیشتر، ما فکر می کنیم جنگ تمام شده است، نه جنگ روایت ها، از واقعیت ها، هست و این یک جنگ تمام عیار است.

^۴ آل عمران، ۱۷۳.

ما چقدر نسبت به این جهاد، احساس مسئولیت کردیم؟

در چنین شرایطی مقام معظم رهبری فرمودند: «جهاد تبیین، فریضه قطعی و فوری است. و هر کسی که میتواند [باید اقدام کند].»^۵ ما چقدر نسبت به این جهاد، احساس مسئولیت کردیم؟ آیا اصلا احساس می کنیم در چنین جنگی هستیم یا خیر؟ رهبری فرمودند این جهاد تبیین، تکلیف عده خاصی است. نه این جهاد تبیین، اولاً برای موثرین هست اما مگر جوانان موثر نیستند؟ ما چرا نباید آموزش های لازم را برای چنین جهادی ببینیم؟ قبل از اینکه برای جهاد تبیین آموزش ببینیم اولاً باید حس کنیم در چنین جهادی هستیم. این می تواند را برای خودمان محقق کنیم. مگر در دفاع مقدس همه کسانی که شرکت کردند، اول می توانستند؟ آموزش دیدند توانستند.

شناخت عرصه جنگ قدم اول در جهاد تبیین است

شناخت عرصه جنگ قدم اول در جهاد تبیین است. شهید حسن باقری، نابغه جنگ ما هست. ایشان می خواست عملیات آزادسازی خرمشهر را طراحی کند گفت: «ابتدا باید بدانیم که خودمان کجا هستیم و دشمن کجاست»^۶ هم‌رزم شهید می گفت: «تا مدت ها پس از شروع جنگ وضعیت جبهه ها معلوم نبود. نقشه ای که اکنون پشت سر شماست اسمش نقشه شهید حسن باقری است. نه اینکه به احترام او این اسم را گذاشته باشند، بلکه مربوط به ایشان است. این ها با هزار زحمت، عکس های هوایی سال ۱۳۳۷ را دریافت کردند، اما معلوم نبود چه چیزی عوض شده است. حسن باقری یک تیم بزرگ از بچه های خوزستان و کسانی که در اختیارش بود، جمع کرد و فرستاد تا وجب به وجب جبهه خوزستان را شناسایی کنند. در بسیاری از موارد

^۵ ۱۹/۱۱/۱۴۰۰ خطاب

^۶ خبرگزاری تسنیم، خبر شماره: ۲۶۵۵۵۹۸

قدم‌شماری صورت گرفت. این نقشه هنوز جزو کامل‌ترین نقشه‌هاست. چیزهای عجیب غریبی روی نقشه است.»^۷

ما باید اول شناسایی کنیم، بعد برویم سراغ طراحی عملیات. یکی از مراحل شناسایی، دیدن عرصه جنگ هست. اینکه دشمن چقدر در جنگ روایت‌ها، موفق شده حقایق را در بین مردم ما وارونه جلوه دهد؟ اینکه ما در حال جنگ هستیم. آیا ما نسبت به این جنگ احساس مسئولیت نمی‌کنیم؟

سه عرصه جهاد تبیین؛ برطرف کردن تعارض دین با نشاط و شادی

ما در جنگ روایات‌ها مواجه هستیم، با یک سلسله سوء تفاهماتی که نسبت به دین بیش آمده است و موجب دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی برخی افراد جامعه شده است. سوء تفاهم یعنی برداشت غلط از دین. از واقعیت دین. مثلاً یکی از برداشتهای و خطاهای ذهنی که برای مردم پیش آمده است، تعارض دین با نشاط و شادی است. انگاری بین دین داری و نشاط و شادی یک فاصله وجود دارد. هرکسی می‌خواهد دین داری کند، نمی‌تواند با نشاط و شاد باشد در حالی که اصل نشاط و شادی در دین است، فرمود: «دین یعنی نشاط»^۸ یا در روایتی حضرت فرمود مومن نشاطش دائمی است؛ دَائِمًا نَشَاطُهُ^۹ آیا جوان من! در مدارس، در خانه چنین برداشتی از دین دارد؟ دین را عامل نشاط انسان می‌داند؟ اگر نمی‌داند یعنی اینجا نیاز به تبیین داریم، آن هم جهاد تبیین. در شرایطی که دشمن و گاهی دوستان نادان، دین را عامل نشاط معرفی نکردند. ما باید چه کنیم؟

^۷ همان.

^۸ «الدِّينُ حُبُّهُ» (غرر، ص ۲۰)

^۹ کافی، ج ۲، ص ۲۳۰.

تبیین رابطه دین با لذت

عرصه دیگر جهاد تبیین، تبیین رابطه دین با لذت است. آدم ها دنبال لذت هستند، ما چطور به مردم توضیح دهیم، اصل لذت، لذت عمیق و پایدار، برنامه و راه رسیدن به چنین لذتی اساساً در دین طراحی شده است؟ بعد بگوییم چطور بی دینی کردن، خلاف دستور دین عمل کردن، میزان لذت بری دنیای آدم را کم می کند؟ شما کافی است یک نگاهی به آمارها و ارقام ها در غرب بیندازید، ببینید زن و مرد غرب، بعد از آزادی در لذت های دنیای، آیا لذت های دنیای آنها کم شده یا بیشتر شده؟ آمار وحشتناک هست، لذت ها وحشتناک کم شده است. چرا ما این را با صدای بلند نمی گویم؟ چرا از کنار این خبر مهم، با سکوت خبری عبور می کنیم؟ ما در این عرصه های جنگ روایت ها کجا هستیم؟

تبیین رابطه دین با عقلانیت

عرصه دیگر جهاد تبیین، تبیین رابطه دین با عقلانیت است. این یک واقعیت هست که کسی که بی دینی میکند، در واقع عقلش کم است. فرمود: « وَ مَنْ يَزْغِبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ؛ جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! »^{۱۰} چرا باید در دین ما، حجاب و برخی از دستورات دین مسخره شود؟ چون ما رابطه دستورات دین با عقلانیت را نگفتیم، روایت نکردیم. چرا بی دینی و دهن کجی به دین، در جامعه کلاس دارد؟ مگر کسی دیوانگی کرد، دیوانگی کلاس دارد؟ چون ما دوباره در این جهاد تبیین، به درستی رابطه دین با عقلانیت را تبیین نکردیم؟ ما در این جنگ روایت ها، قرار داریم. اینجا نیاز به جهاد تبیین داریم.

^{۱۰} بقره، ۱۳۰.

بعد از کربلا، این وارونه کردن حقایق یا جنگ روایت‌ها، در شام ادامه داشت، مردم شام چه تصویری از اهل بیت داشتند؟ آنها فکر می‌کردند، پیغمبر به جز معاویه فامیلی نداشته است. وقتی مردم شام خبر دار شدند، که امیرالمومنین در محراب عبادت به شهادت رسیده است، گفتند مگر علی(ع) نماز می‌خوانده است؟ در چنین شرایطی که شام از واقعیت اسلام خبری نداشتند، امام سجاد(ع) به همراه عمه جانشان زینب(س)، در یک جنگ تمام عیار شروع به تبیین حق و حقیقت کردند.

لذا شما می‌بینید ادبیات خطبه‌های امام سجاد(ع) در شام با کوفه کاملاً متفاوت است. در کوفه خطبه امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) کاملاً توییحی است. اما در شام، خطبه‌ها تبیینی هست.

در شام پیرمردی خودش را به امام سجاد(ع) رساند و گفت: «خدا را سپاس که شما را کشت و مردمان را از شر شما آسوده ساخت و پیشوای مؤمنان - یزید بن معاویه - را بر شما پیروز گردانید!»

امام فرمود: ای پیرمرد آیا قرآن تلاوت کرده‌ای؟ پیرمرد گفت: آری.

امام فرمود: آیا این آیه را خوانده‌ای که خداوند می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۱۱}؛ «ای پیامبر! به مردمان بگو من در برابر تلاش‌هایی که برای هدایت شما انجام داده‌ام، پاداشی نمی‌خواهم جز این که خویشان مرا دوست بدارید»

^{۱۱} الشوری: ۲۳.

آری خواننده ام مقصود این آیه از خویشان پیامبر صلی الله علیه وآله ما هستیم. سپس امام فرمود: ای پیرمرد آیا این آیه را خوانده ای؟ «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» «حق خویشاوندان و نزدیکان را پرداخت کن»^{۱۲}

پیرمرد گفت: آیا شما باید «ذی القربی» و خویشاوند پیامبر؟ بلی، ما هستیم. آیا سخن خدا را در قرآن خوانده ای که فرموده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ»^{۱۳}: آن چه غنیمت به چنگ می آورید یک پنجم آن از خدا و رسول و نزدیکان اوست» آری خواننده ام.

مقصود از ذی القربی در این آیه نیز ما هستیم. و آیا این آیه را تلاوت کرده ای: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^{۱۴} «همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی و گناه از شما اهل بیت زدوده شود و شما را به گونه ای بی مانند پاک گرداند» ای مرد شامی! آیا در میان مسلمانان کسی جز ما، «اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه وآله» شناخته می شود؟ مرد شامی از سخنانش اندوهگین شد. دستش را بالا برد و گفت: «خدایا به سوی تو باز می گردم، خدایا به سوی تو باز می گردم، خدایا به سوی تو باز می گردم از دشمنی خاندان پیامبر و بی زاری می جویم و به سوی تو رو می آورم از کشتندگان خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله. من روزگاران دراز قرآن تلاوت کرده ام ولی تا امروز مفاهیم و معارف آن را درک نکرده بودم»^{۱۵}

شما فکر نکنید، همه چیز بعد از کربلا گل و بلبل بوده و همه مردم، حقیقت مظلومیت ابا عبد الله الحسین (ع)، را درک کرده بودند، حتی در شهر مدینه، که دیگر محل زندگی امام حسین (ع)،

^{۱۲} الإسراء: ۲۶.

^{۱۳} الأنفال: ۴۱.

^{۱۴} الأحزاب: ۳۳.

^{۱۵} الملهوف: ص ۲۱۱..

هست، امام حسین(ع)، در بین این مردم نفس زده است. با هم زندگی کرده اند، شما می بینید بعضی ها بعد از کربلا، تردید ایجاد می کردند، می آمدند به همسر حضرت زینب(س) می گفتند ماجرای کربلا تقصیر امام حسین(ع) است. عبدالله جواب می داد.

در چنین شرایطی، امام سجاد(ع)، با گریه کردن بر مظلومیت اباعبدالله الحسین(ع) را تبیین کردند. گریه یعنی تبیین. این گریه معنا دارد. اگر قیام تواین شکل گرفت، اگر قیام های بعد از کربلا شکل گرفت، همه مرهون تبیین امام سجاد(ع) و حضرت زینب(س) بود.